



مقایسه‌ی نظام آموزشی افغانستان با جاپان و امریکا

پوهندوی دکتور محمدعلی فطرت^{۴۷} و روشنا امیری

تقریظ‌دهنده: پوهندوی دکتور غلام‌حسین امیری

مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم
اجتماعی پوهنتون کابل، ۲۰ (۴) ۱۴۰۰

چکیده

دانش در مورد نظام آموزشی کشورهای پیشرفته به ما کمک می‌کند تا از ظرفیت‌های آموزشی آن‌ها در عرصه‌ی رقابت و برتری بهره‌مند شویم. روی این ملحوظ پژوهش حاضر تحت عنوان مقایسه‌ی نظام آموزشی افغانستان با جاپان و امریکا انتخاب گردیده است. هدف نهایی پژوهش حاضر شناخت و بررسی نظام آموزشی جاپان و امریکا و مقایسه آن با نظام آموزشی افغانستان، ضمن کشف تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان آن‌ها با استفاده از مزایای قابل اعمال نظام آموزشی جاپان و امریکا، راه‌کارهایی جهت بهبود نظام آموزشی کشور ارایه گردد. روش پژوهش حاضر مروری-کتاب‌خانه‌یی می‌باشد. نظام آموزشی متمرکز، نصاب غیر معیاری، هزینه‌ی کم آموزشی و عدم تحقق اهداف آموزشی از تفاوت‌های عمده‌ی نظام آموزشی افغانستان با جاپان و امریکا می‌باشد.

اصطلاحات کلیدی: مقایسه‌ی نظام آموزشی؛ ساختار آموزشی؛ اهداف آموزشی؛ نظام آموزشی؛ محتوای آموزشی

Comparing the education system of Afghanistan with Japan and United States

Asstt. Prof. Dr. Mohammad Ali Fetrat & Roshna Amiri

Abstract

Knowledge about the educational system of developed countries helps us to benefit from their educational capacities. In the field of competition and superiority. In this regard, the present study has been selected as a comparison of Afghanistan education system with Japan and the United States. The ultimate goal of this study the Japanese and American educational system and compare them with the Afghan educational system, while discovering the difference and similarities between them using the applicable advantages of the Japanese and American educational systems, strategies to improve the country's educational system. To be presented. The method of the present study is review library. Centralised education system, non-standard curriculum, low educational costs, and failure to achieve educational goals are the main differences between the education system of Afghanistan and Japan and the United States.

Keywords: Comparison of educational system; Educational structure; Educational goals; Education system; Education content.

ارجاع

فطرت، محمدعلی و امیری روشنا. (۱۴۰۰). مقایسه‌ی نظام آموزشی افغانستان با جاپان و امریکا. مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم اجتماعی پوهنتون کابل، شماره ۲ (۴)، صص ۱۰۳-۱۲۳.

^{۴۷} استاد پوهنځی روان‌شناسی و علوم تربیتی، پوهنتون کابل

مقدمه

آموزش و پرورش در هر جامعه و کشوری بدون این‌که در اهمیت آن اغراق صورت گیرد، نقش محوری و غیرقابل انکار را در تغییر، تکامل و رفاه انسانی بازی می‌کند. تأکید و توجه به تعلیم و تربیت، اصول اذعان به نقش آگاهی و دانش در تغییرات اجتماعی و کاستن از رنج و مشقت‌هایی است که در نبود دانش دامن‌گیر انسان و جوامع انسانی شده است (حسن، ۱۳۸۷، ص ۷). امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه کودکان کم‌تر از چیزی که در موردش آموزش می‌بینند یا آن‌چه باید در مکتب آموزش یابند، یاد می‌گیرند. در مقابل از آن‌جا که کشورهای توسعه‌یافته بخش عمده‌یی از دست‌آورد خود را مدیون نظام آموزشی اثربخش هستند. همواره در حال مطالعه و برنامه‌ریزی برای بهبود و افزایش کارایی آن‌اند. موفقیت کشورهای پیشرو در امر آموزش و پرورش الگوی برای ایجاد تحول آموزشی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز بوده است. در عصر امروز نظام آموزش و پرورش یک کشور را نمی‌توان از نظام‌های آموزش و پرورش دیگر کشورها جدا دانست. مقایسه‌ی نظام آموزشی کشورها به منظور الگوگیری جهت اصلاح و پیشرفت مسایل مهم آموزش و پرورش از اهمیت ویژه‌یی برخوردار است. ضرورت و اهمیت این پژوهش در این است که از طریق الگو قراردادن نظام آموزشی دیگر کشورها به کم‌بودها و نواقص مسایل تربیتی خود پی برده و به دنبال راه حل مناسب جهت رسیدن به اهداف تعیین شده باشند.

افغانستان حدود ۹ میلیون دانش‌آموز دارد که از این تعداد کم و بیش ۳ میلیون کودک از درس محروم مانده‌اند. اگر دولت افغانستان با این سرعت پیش برود دست کم ۷۵ سال وقت می‌گیرد که تدریس در تمام مکاتب افغانستان مدرن شود (www.BBC.com). با این تفصیل هدف نهایی پژوهش حاضر از مقایسه نظام آموزشی افغانستان با جاپان و امریکا شناخت و بررسی نظام آموزشی جاپان و امریکا و مقایسه‌ی آن با نظام آموزشی افغانستان، ضمن کشف تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود میان آن‌ها، با استفاده از مزایای قابل اعمال نظام آموزشی جاپان و امریکا راه کارهایی جهت بهبود نظام آموزشی کشور ارایه گردد. از آن‌جا که بررسی همه‌جانبه و جامع نظام‌های آموزشی از حد و حدود این نوشتار خارج است، در این پژوهش نظام آموزشی افغانستان را از نگاه ساختار آموزشی، اهداف آموزشی و بودجه آموزش و پرورش با نظام آموزشی کشورهایی جاپان و امریکا مورد مقایسه قرار داده است. بر مبنای یافته‌های این پژوهش ساختار آموزشی افغانستان مانند نظام آموزشی جاپان و امریکا به مقاطع ابتدایی (۶ سال) مقطع متوسطه (۳ سال) و دوره لیسسه (۳ سال) و آموزش عالی تقسیم‌بندی شده است. اما از نظر کیفیت آموزشی، نظام آموزشی افغانستان نظر به نظام آموزشی جاپان و امریکا از کیفیت

کمی برخوردار است. نظام آموزشی متمرکز، نصاب غیر معیاری، کم‌ترین هزینه‌ی آموزشی و عدم تحقق اهداف از تفاوت‌های عمده‌ی نظام آموزشی افغانستان با نظام آموزشی جاپان و امریکا می‌باشد.

روش پژوهش

روش این پژوهش مروری-کتاب‌خان‌ی است. روش کتاب‌خان‌ی روشی است که به بررسی اسناد و مدارک، منابع و آراء و نظریات در فضای محدود کتاب‌خانه شکل گرفته و آن‌جام می‌پذیرد. در این نوع پژوهش پژوهش‌گر اطلاعات به دست آمده از اسناد چاپی را نظر به موضوع تحقیق خویش تحلیل، تفسیر، مقایسه و تشریح می‌نماید (بیابان‌گرد، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

سؤالات پژوهش

۱. نظام آموزشی افغانستان چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با نظام آموزشی جاپان و امریکا دارد؟
۲. افغانستان، جاپان و امریکا در حوزه‌ی آموزش و پرورش چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟
۳. افغانستان در مقایسه با جاپان و امریکا چه مقدار از بودجه خود را صرف آموزش و پرورش می‌کند؟

پیشینه‌ی پژوهش

تحقیق و پژوهش در باره‌ی آموزش و پرورش افغانستان به دلیل کم‌بود منابع با دشواری‌های زیادی مواجه می‌باشد. زیرا در باره‌ی تعلیم و تربیت در افغانستان مانند عرصه‌های دیگر اجتماعی این کشور، کار علمی و پژوهشی لازم صورت نگرفته است.

پوپل، کریم (۲۰۱۷) در مقاله تحت عنوان «سیر معارف در افغانستان» ضمن تأکید به قدمت تاریخی آموزش و پرورش در افغانستان، "تبود امکانات آموزشی، نبود امنیت، بودجه کم آموزشی را از چالش‌های اساسی آموزش و پرورش افغانستان می‌داند".

حسن (۱۳۸۹) در یک گزارش تحقیقی تحت عنوان «وضعیت تعلیم و تربیت در افغانستان» بیان می‌دارد که "دست‌رسی به تعلیم و تربیت باکیفیت در افغانستان به سه عامل مهم و کلیدی ارتباط می‌گیرد. در گام نخست تغییر و اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌های معارف که زمینه‌ی برخوردارگی تمام اقشار مردم را از این حق مهیا کند. موضوع دوم تهیه و فراهم‌سازی امکانات و سهولت‌های مورد نیاز در تمام مکاتب کشور که اساساً بدون آن‌ها رشد و توسعه معارف امکان‌پذیر نخواهد بود. عامل سوم نظارت و رابطه پی‌گیر مسوول و مسوولان ذی‌ربط در مکتب‌ها طبق برنامه معین می‌باشد که این امر به خوبی از کم‌کاری، غفلت و بی‌توجهی در مکاتب کشور جلوگیری می‌نماید".

فاطمی و مجید (۱۳۸۸) در مقاله‌یی تحت عنوان «نظام و بازدهی آموزشی» که یک مطالعه‌ی تطبیقی در ۷۰ کشور جهان می‌باشد بیان می‌دارند که «تأثیر نوع نظام آموزشی بر بازدهی آموزشی از دو جهت قابل تأمل است. نوع نظام آموزشی در هر کشوری از یک سو از طریق سطوح سه‌گانه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و از سوی دیگر به طور مستقیم بر بازدهی آموزشی تأثیرگذار است. از بررسی مقایسه‌یی نظام‌ها آموزشی این نتیجه به دست آمده که نظام آموزشی غیر متمرکز نسبت به نظام‌های آموزشی متمرکز و نیمه‌متمرکز از بازدهی آموزشی بالاتری برخوردارند».

جواهر (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد تحت عنوان «نقش آموزش عالی در دیپلماسی عمومی امریکا در افغانستان» به این نتیجه رسیده است که «آموزش عالی یکی از مهم‌ترین جنبه‌هایی دیپلماسی عمومی ایالات متحده در افغانستان می‌باشد به نحوی که زمینه را برای نفوذ بیشتر واشنگتن در این کشور فراهم نموده است».

یعقوبی (۱۳۹۳) در مقاله‌یی تحت عنوان «نگاه مقایسه‌ی به تعلیم و تربیت در افغانستان و جاپان» بیان می‌دارد که «نهاد آموزش و پرورش افغانستان و جاپان از تعالیم دینی و مذهبی آنان تأثیر پذیرفته است همچنان در زمینه‌ی تحقق اهداف آموزشی کشور جاپان با توجه به امکانات اقتصادی نسبت به افغانستان پیشتاز بوده است».

عسکری و هم‌کاران (۱۳۹۷) در مقاله‌یی تحت عنوان «مقایسه‌ی سیاست‌گذاری آموزشی ایران و جاپان در مقطع ابتدایی» انقلاب میجی را نقطه عطف در آموزش و پرورش جاپان می‌داند. این پژوهش ریشه‌ی تمام موفقیت‌های جاپان را تمرکززدایی سیاسی و اداری نظام جاپان می‌داند.

سؤال اول: نظام آموزشی افغانستان چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با نظام آموزشی امریکا و جاپان دارد؟

ساختار نظام آموزشی در افغانستان

در افغانستان دوتنوع سیستم آموزشی وجود دارد. ۱. سیستم آموزشی سنتی و ۲. سیستم آموزشی جدید.

۱. سیستم آموزشی سنتی: سیستم سنتی در افغانستان قدمت طولانی دارد و پایه‌گذار این سیستم علمای اسلام از بدو ورود اسلام به این سرزمین می‌باشد. و اکنون نیز توسط علمای دینی اداره می‌شود. آموزش سنتی از قدیم حتی قبل از اسلام وجود داشته و به اساس روش‌های سنتی تعلیم و تربیت به پیش برده می‌شد. اما بعد از ورود اسلام، نظام تعلیم و تربیت هم از لحاظ مضامین و هم از نظر مکان آموزشی فرق کرد. مسلمانان تعلیم و تربیت را فرض می‌دانستند و به همین دلیل در

مقدس‌ترین مکان‌ها یعنی مساجد و حسینیه‌ها به تعلیم و تربیت می‌پرداختند. به طور کلی مراکز آموزش سنتی عبارت بود از خانه‌ها، مساجد، مکتب خانه‌ها، مدارس دینی (اصغری، ۱۳۹۰، ص ۱۲).

۲. سیستم آموزشی مدرن یا عصری: سیستم رسمی تعلیم و تربیه افغانستان متشکل از دوره‌های اساسی و ثانوی است که دوره‌های ابتدایی را از صنف (۱-۶) متوسطه از صنف (۷-۹) دوره‌ی ثانوی یا لیسه از صنف (۱۰-۱۲) می‌باشد. هم‌چنان انواع مختلف تعلیمات مسلکی (تربیه معلم و تعلیمات تخنیکی و مسلکی) تحت کنترل وزارت معارف فعالیت می‌کنند. بعد از فراغت از صنف ۱۲ باید امتحان کانکور را سپری نمایند تا به تحصیلات عالی راه یابند. دوره‌های تحصیلات عالی توسط وزارت تحصیلات عالی مدیریت می‌گردد (وزارت معارف، ۱۳۹۷، ص ۱۱). هم‌اکنون در نظام آموزشی دولتی افغانستان تعلیم و تربیت از سن سه ماه تا ۲۰ ساله در مؤسسات رسمی تعلیمی و تربیتی زیر نظر وزارت معارف تعیین گردیده که قرار ذیل می‌باشد.

۱. تعلیمات قبل از مکتب

الف. شیرخوارگاه: کودکان جهت رشد جسمی، عاطفی، اجتماعی و آماده شدن برای ورود به کودکستان‌ها از سن سه ماهه تا سه ساله در شیر خوارگاه‌ها به صورت رایگان تحت پوشش قرار می‌گیرند.
ب. کودکستان: کودکان ۴-۶ ساله را جهت رشد جسمی، عاطفی، اخلاقی و به دست آوردن اطلاعات ابتدایی به کودکستان‌ها فرستاده می‌شود. تا آمادگی لازم را برای ورود به مقطع ابتدایی را پیدا نمایند.

۲. تعلیمات دوره ابتدایی (از صنف اول تا ششم) از سن ۷ تا ۱۲ سالگی

تعلیمات ابتدایی ۶ ساله اجباری و رایگان است که شامل دو دوره ذیل می‌باشد:

الف. دوره اول: تعلیمات ابتدایی صنف اول تا سوم از ۷-۹ سالگی: شاگردان در سن هفت سالگی در دوره اول تعلیمات ابتدایی می‌بینند. در این دوره شاگردان با اجزای اصلی تعلیمات اساسی (شنیدن، سخن گفتن، خواندن، عددنویسی به اصول تعلیمات دینی و اخلاقی آشنایی پیدا می‌کنند). هم‌چنان توجه خاص به خاطر معرفت شاگردان با زندگی در مکتب و مواجه شدن با اشکال مختلف فعالیت‌ها به شیوه منظم آشنا می‌شود. ساعات درسی در این دوره روزانه ۴ ساعت و در هفته ۲۴ ساعت می‌باشد. این دوره به تدریسات ابتدایی معروف است. تدریسات ابتدایی عبارت است از عمومیت معارف در بین افراد افغانستان بر اساس ماده ۲۰ قانون اساسی این دوره تعلیم اجباری است و دروازه‌های مکتب به روی همه باز است.

ب. دوره دوم: در دوره دوم تعلیمات ابتدایی شاگردان با مسایل جدید در رابطه با رشد دانش مناسب مهارت‌ها و سلوک پسنیدیده مواجه می‌گردد. ساعات درسی در این دوره روزانه پنج ساعت و در هفته ۳۰ ساعت می‌باشد. با سپری کردن دوره ابتدایی دانش‌آموزان می‌توانند وارد دوره متوسطه گردند (اصغری، ۱۳۹۰، ص ۲۵-۲۶). نتایج گزارش سروی MICS در سال ۲۰۱۳ میلادی نشان می‌دهد که همه اطفالی که در دوره ابتدایی شامل می‌گردند، ۸۴٪ آن دوره ابتدایی را تکمیل می‌کنند. میزان تکمیلی دوره ابتدایی در حال حاضر ۳۱٪ می‌باشد که این میزان برای دختران ۲۱٪ و برای پسران ۴۰٪ است. در همین حال گزارش یک ارزیابی معتبر که از دست‌آوردهای تعلیمی شاگردان صنف ششم در رابطه با مهارت‌های سواد شاگردان مذکور از قبیل خواندن، نوشتن و حساب کردن در سال ۲۰۱۳ میلادی صورت گرفته است، نشان می‌دهد که سطح مهارت‌های سواد شاگردان صنف ششم افغان با شاگردان صنف چهار در کشورهای همسایه برابر است (وزارت معارف، ۱۳۹۶، ص ۲۰-۲۲) نتایج یک مطالعه ارزیابی آموزش شاگردان صنف ششم نشان می‌دهد که ۱۰٪ شاگردان نمی‌توانند کلمات ساده را بخوانند ۱۴٪ شاگردان نمی‌توانند در ریاضیات اشکال ساده را نام‌گذاری نمایند ۳۱٪ شاگردان نمی‌توانند یک کلمه ساده را بنویسند (ام‌ای‌سی، ۱۳۹۶، ص ۶۴).

۳. تعلیمات دوره متوسطه (از صنف هفتم تا نهم) از سن ۱۳ تا ۱۵ سالگی: در این دوره افق دید شاگردان وسیع‌تر می‌گردد و آن‌ها با موضوعات و مسایل بیشتر در رابطه با موفقیت‌های علمی رشد و انکشاف معنوی، اخلاقی، عاطفی و اجتماعی مواجه می‌گردد. توجه خاص به مشوره و راهنمایی شاگردان در رابطه با جریانات آینده تعلیم و تربیت و تعیین مسلک و شغل آینده شان مبذول می‌گردد. ساعات درسی روزانه ۶ ساعت در هفته ۳۶ ساعت می‌باشد.

۴: تعلیمات دوره ثانوی (از صنف دهم تا دوازدهم) از سن شش تا هژده سالگی: تدریسات ثانوی شامل صنف ۱۰، ۱۱، ۱۲ می‌شود. هدف تدریسات ثانوی رشد و تقویت فهم و تحکیم عقاید و ارزش‌های اسلامی شاگردان و آماده ساختن شاگردان برای ادامه تعلیمات و تحصیلات عالی، کسب و کار و هدف این لیسه تربیت نیروی تحصیل کرده برای ورود به دانشگاه‌ها می‌باشد. شاگردان در این دوره با رشته‌های عمده‌ی علوم طبیعی، علوم اجتماعی، تعلیمات مسلکی، تربیت معلم و تعلیمات اسلامی آشنا می‌گردند. شاگردان بعد از فراغت از دوره‌ی ثانوی مطابق استعداد و علاقه‌مندی شان وارد مؤسسات تحصیلات عالی (در دارالمعلمین، انستیتیوت‌های مسلکی و دانشگاه‌ها) می‌شوند و یا وارد بازار کار شده مشغول کار می‌شوند.

۵. **تعلیم و تربیت در مقطع عالی:** یکی از مقاطع مهم تحصیلی، تحصیلات عالی است در این مقطع افراد تخصص‌های لازم را به دست می‌آورند (اصغری، ۱۳۹۰، ص ۲۷). یگانه امتحان شاگردان که به سطح ملی معیاری می‌باشد عبارت از امتحان کانکور است که در پایان صنف ۱۲ توسط آن‌عده فارغ‌التحصیلان مکتب که خواهان ورود به دانشگاه‌ها می‌باشد، سپری می‌گردد. امتحان کانکور به سطح ملی مدیریت می‌گردد و فارغ‌التحصیلان مکاتب این امتحان را طی پنج ماه در پایان سال رسمی تعلیمی سپری می‌نمایند. این امر نشان‌دهنده اهمیت کانکور می‌باشد (ای‌ام‌سی، ۱۳۹۶، ص ۶۳).

آموزش عالی در کشور با دو تعبیر مطرح می‌شود:

الف. تعلیمات عالی: تعلیمات عالی زیر نظر وزارت معارف اداره می‌شود و فارغ‌التحصیلان این دوره را ۱۴ پاس می‌گویند. این تعلیمات بین سنین ۱۹ تا ۲۰ سالگی را دربر می‌گیرد. بعد از اخذ دیپلوم صنف ۱۲ دانش‌آموزان که علاقه مند به دارالمعلمین باشند مدت دو سال تعلیمات عالی در این مراکز سپری نموده و به عنوان فارغ‌التحصیل این دوره حساب می‌شوند. فارغان دوره ثانوی دیپلوم‌های فوق بکلوریا را در رشته‌های اختصاصی (تعلیمات اسلامی، تربیت معلم، تعلیمات مسلکی) به دست می‌آورند. فارغان این دوره می‌توانند مستقیماً به دنیای کار و یا به ادامه تحصیلات عالی در رشته‌های مربوطه در انستیتوت‌ها و دانشگاه‌ها بپردازند. منظور از تدریسات مسلکی عبارت از تربیت جوانان مملکت در رشته‌های مختلف حیاتی مسلکی است. هدف تدریسات مسلکی تأمین نیروی لایق عصری با معلومات مدنی عصری و سواد کافی در داخل مملکت است و مدارس مسلکی از نگاه هدف و غایت به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. مدارس و مؤسسات که هدف آن تربیت علمی در چهارچوب یک مسلک معین باشد و آن عبارت از دارالمعلمین، مدرسه تعلیم و تربیت و ...

۲. دارالعلوم‌ها: که هدف آن تربیت علمای دینی و حفاظ است و نصاب درسی آنان عموماً یک نوع می‌باشد.

۳. مدارس که جنبه فنی و تکنیکی دارند؛ مانند مکتب زراعت، مکتب تکنیک، ثانوی و ...

ب. تحصیلات عالی: تحصیلات عالی در کشور زیر نظر وزارت تحصیلات عالی فعالیت می‌کند. تحصیلات عالی در سه درجه لیسانس، درجه ماستری، درجه دکترا می‌باشد (اصغری، ۱۳۹۰). قانون اساسی فعلی افغانستان دست‌رسی شهروندان کشور را به تعلیم و تربیه رایگان الی سطح لیسانس در نهادهای تعلیمی دولتی به رسمیت شناخته و حق قانونی آن‌ها می‌داند (وزارت معارف، ۱۳۹۶، ص ۱۰).

در افغانستان ۴۴ برنامه ماستری، ۳ برنامه دکتورا در پوهنتون‌های دولتی و ۳۳ برنامه ماستری در پوهنتون‌های خصوصی ایجاد شده است. ۱۳۱ نهاد تحصیلی خصوصی در کابل و ولایات فعالیت دارند که بیش از ۲۵۰ هزار محصل در آن مصروف تحصیل اند. در مجموع در تمام نهادهای دولتی و خصوصی بیش از ۴۰۰۰۰۰ محصل مصروف آموزش هستند که ۲۷٪ آن را دختران تشکیل می‌دهند. (www.8am.com). دوره لیسانس در مؤسسات تحصیلات عالی افغانستان حد اوسط چهار سال، دوره ماستری یک و نیم سال الی دو سال می‌باشد. اما یک محصل می‌تواند زودتر یا دیرتر آن را تکمیل کند. ارزیابی محصلان به تفکیک ذیل صورت می‌گیرد:

الف. امتحان نهایی ۶۰٪

ب. امتحان صنفی، کارخانه‌گی و فعالیت‌های داخل صنف ۲۰٪

ج. تطبیقات ۲۰٪

۷۵٪ حضری در ساعات درسی شرط شمول در امتحان نهایی دانسته می‌شود. نمره معیاری کامیابی برای هر مضمون ۵۵٪ می‌باشد. علاوه به آن تکمیل ۶۰٪ اوسط عمومی در هر سمستر لازمی دانسته می‌شود (وزارت تحصیلات عالی، ۱۳۹۴، ص ۴-۷).

وب‌سایت معتبر جهانی کیو اس (QS world university rankings) همه ساله لیست هزار دانشگاه برتر دنیا را نشر می‌کند. چندی پیش که لیست این وب‌سایت برای سال ۲۰۱۹ - ۲۰۲۰ نشر شد، انستیتیوت تکنولوژی ماساچوست امریکا در صدر جدول هزار دانشگاه دنیا قرار گرفت در این رده‌بندی جهانی نام هیچ یک از دانشگاه‌های افغانستان به چشم نمی‌خورد. کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، پاکستان به عنوان همسایه‌های افغانستان در این لیست سهم ارزندی دارند. از پاکستان و ایران هر کدام به ترتیب هفت و شش نهاد علمی شامل این لیست است. اما سهم افغانستان در این رده‌بندی جهان صفر است. تبدیل نشدن نهادهای علمی افغانستان به مراکز تولید علم، نبود سیستم نوین جهانی، نسپردن کار به اهل اش در مراکز علمی افغانستان یکی از عمده‌ترین دلایل شامل نشدن نهادهای علمی افغانستان در این رده‌بندی جهانی است (www.8am.com).

ساختار نظام آموزشی جاپان

ساختار آموزشی جاپان به صورت ۶-۳-۳ (۶ سال ابتدایی، ۳ سال متوسطه عالی مقدماتی و ۳ سال متوسطه عالی) است. هر چند پیش دبستان ۳ تا ۵ ساله نیز وجود دارد اما بخش از نظام اجباری آموزشی رسمی در این کشور محسوب نمی‌شود (عسکری و هم‌کاران، ۱۳۹۷، ص ۸). ساختار اساسی

جاپان به پایه‌ی ترکیبی از نظام آموزشی انگلستان، فرانسه و امریکا قالب‌ریزی شده و شاید مدل آموزشی امریکا بیشترین تأثیر را داشته است. ۶ سال مدرسه‌ی ابتدایی و ۳ سال مقطع مقدماتی متوسطه اجباری است. درصد حضور در مکتب در هر دو سطح ۹۹.۸٪ می‌باشد. حدود ۹۶.۸ درصد از کسانی که دوره مقدماتی متوسطه را به اتمام رسانده اند، پس از گذراندن امتحان ورودی به مقطع تکمیلی متوسطه راه می‌یابند. در حال حاضر نظام آموزشی جاپان به ۵ مرحله به شرح ذیل تقسیم می‌شود:

- مقطع پیش دبستانی (یک تا سه سال)؛
- مقطع ابتدایی (شش سال)؛
- مقطع مقدماتی متوسطه (سه سال)؛
- مقطع تکمیلی متوسطه (سه سال)؛
- مقطع مقدماتی آموزش عالی (چهار سال)؛
- مدارس عالی نیز وجود دارد که دوره تحصیلی ۲-۳ ساله ارایه می‌دهند (قربانی، ۱۳۸۴ ص ۲۰).

آموزش پیش دبستانی

ساختار آموزشی: مقطع آموزش پیش دبستانی در جاپان حداکثر مدت زمان سه سال رده‌های سنی ۳-۶ سال به طول می‌انجامد. این مقطع آموزشی غیر اجباری و غیر رسمی بوده و با دریافت پول از والدین کودکان ارایه می‌گردد. هدف اصلی مراکز آموزشی پیش دبستانی، پرورش ذهنی و جسمی کودکان در یک محیط مناسب آموزشی است. برنامه‌های آموزشی این مقطع نیز به ۳۹ هفته آموزشی در سال و ۴ ساعت تدریس روزانه تجاوز نمی‌کند.

آموزش ابتدایی

ساختار آموزشی: مقطع آموزش ابتدایی در جاپان حد اکثر مدت زمان ۴ سال رده‌های سنی ۶-۱۲ به طول می‌انجامد. این مقطع آموزش اجباری و رسمی است. زمان تدریس ۴۵ دقیقه است. هدف اصلی مراکز آموزشی ابتدایی، ارایه آموزش عمومی مناسب با مراحل رشد جسمی و ذهنی کودکان است. برنامه‌های آموزش ابتدایی تا قبل از سال ۱۹۹۲ میلادی به اساس ۶ روز در هفته بود اما از آن سال به بعد به تدریج ۵ روز در هفته کاهش یافته است. ارتقا به صنف بالاتر در دوره ابتدایی به صورت اتوماتیک است.

برنامه‌های آموزشی: برنامه‌هایی آموزشی ابتدایی به دروس عادی، آموزش اخلاق و فعالیت‌های ویژه تقسیم می‌شود. از جمله دیگر برنامه‌ها می‌توان از زبان جاپانی، تعلیمات اجتماعی، ریاضیات، علوم آموزش زندگی و محیط زیست، موسیقی، هنر و کاردستی، خانه‌سازی، بدن‌سازی نام برد.

آموزش متوسطه

ساختار آموزشی: آموزش متوسطه شامل ۳ سال دوره مقدماتی متوسطه و ۳ سال آموزش تکمیلی متوسطه می باشد. مقطع آموزش متوسطه خود از دو مقطع تحت عناوین مقدماتی و تکمیلی متوسطه تشکیل می گردد. هدف اصلی مراکز آموزش مقدماتی متوسطه، ارایه آموزش عمومی متناسب در سطح مقدماتی متوسطه متناسب با مراحل رشد جسمی و ذهنی دانش آموزان است. سه نوع دوره تکمیلی متوسطه وجود دارد که تمام وقت، پاره وقت و مکاتبه‌یی می باشد.

آموزش مقدماتی متوسطه

ساختار آموزشی: بعد از ۶ سال آموزش ابتدایی دانش آموزان به مکاتب مقدماتی متوسطه منتقل می شوند. زندگی دانش آموزان در مکاتب مقدماتی متوسطه جاپان سخت گیرانه از مدارس ابتدایی می باشد. و صنف‌ها به موضوعات درسی تقسیم می شوند. برای بیشتر موضوعات دانش آموزان در صنف‌های خود می مانند و معلمان به نوبت از صنفی به صنف دیگر می روند. از آن جایی که دوره مقدماتی متوسطه نشانگر پایان تحصیلات اجباری می باشد. سومین سال مقدماتی متوسطه شاهد آماده سازی دانش آموزان برای چیزی است که رسانه‌های جاپانی آن را جهنم ورودی نام نهاده اند که در طول این مدت دانش آموزان برای گذراندن امتحانات ورودی متوسطه عالی آماده می شوند.

برنامه‌های آموزشی: موضوع درسی شامل ریاضی و علوم وجود دارد که در هر سه صنف (۷-۹) ضروری هستند. دروس انتخابی ۱۰٪ مجموع ساعات درسی را شامل می شود. برنامه‌ی آموزشی مکاتب مقدماتی متوسطه همانند برنامه مکاتب ابتدایی سعی بر همگون سازی ساختن دروس علمی و غیر علمی دارند. مانند موسیقی، هنرهای زیبا، بهداشت و بدن سازی موضوعات مورد نیاز هر سه صنف هستند. معمول ترین درس انتخابی زبان خارجی است که معمولاً انگلیسی می باشد. اما موسیقی و هنرهای زیبا نیز به عنوان دروس انتخابی و باتوصیه معلم ارایه می شود.

آموزش تکمیلی متوسطه

ساختار آموزشی: تحصیلات دولتی در سطح متوسطه‌ی عالی نه اجباری است نه آزاد با این وجود هر منطقه یا تحت نظر شهرداری از متوسطه عالی‌های که تأمین بودجه می شود و آموزش با نسبت به هزینه‌ی پایانی را ارایه می دهند، حمایت مالی می کند. اکثریت عظیمی از متوسطه عالی‌های دولتی و خصوصی جاپانی نوسان سه ساله هستند. علاوه به این در مکاتب شبانه دوره‌های مکاتبه‌یی و متوسطه عالی‌های ۵ ساله‌ی که به شکل ملی سرمایه گذاری می شوند نیز وجود دارد. متوسطه عالی‌ها با استفاده از نمره‌های دانش آموزان در امتحان ورودی متوسطه عالی از آن‌ها ثبت نام به عمل می آورند.

ساختار آموزشی: برنامه‌های دولتی لازم برای دانش‌آموزان متوسطه عالی شامل تکمیل چهار واحد ریاضی و ۴ تا ۸ واحد علوم در طول سه سال متوسطه عالی می‌باشد. برنامه درسی وزارت آموزش و پرورش برای تمام انواع متوسطه عالی‌ها حد اقل پیش‌نیاز و چهارچوب کاری را مقرر می‌کند. زبان جاپانی، جغرافیه و تاریخ، ریاضیات، علوم، بهداشت، تربیت بدنی، هنر، خانه‌داری از موضوعات آموزشی مقطع تکمیلی متوسطه است.

آموزش عالی: آموزش عالی توسط دانشگاه‌ها، مدارس عالی و دانشکده‌های فنی فراهم می‌شود. این مؤسسات ممکن است دولتی یا وابسته به شهرداری یا خصوصی باشد. صنف‌های دانشگاهی از ماه اپریل آغاز شده و تا ماه مارچ به طول می‌انجامد. تعطیلات طولانی مدت از ۱۵ جولای آغاز شده و تا ۳ اگست ادامه می‌یابد. مقاطع تحصیلی شامل دوره لیسانس، ماستری و دوکتورا است (نقی‌زاده، ذاکری، ۱۳۹۸، ص ۵۵).

نظام مدیریت آموزش جاپان تمرکززدایی شده و نقش وزارت معارف بیشتر هماهنگ‌کننده می‌باشد. بالاترین سطح مدیریت در نظام آموزش و پرورش جاپان وزارت آموزش و پرورش، علوم ورزش و فرهنگ است که مسوولیت برنامه‌ریزی، هماهنگی، و اصلاح آموزش و پرورش را به عهده دارد. مسوولیت بودجه مکاتب، برنامه‌های آموزشی، گزینش‌های مکتب، نظارت به مکاتب ابتدایی و مقدماتی متوسطه در دست ادارات محلی آموزش و پرورش قرار دارد. اعضا این ادارات توسط مدیر اجرایی مسوول اداره محلی انتخاب می‌شوند. هم‌چنان در جاپان ۹۰٪ دانش‌آموزان صنف دوازدهم را با موفقیت پشت سر می‌گذرانند که این نسبت در امریکا ۷۳٪ و در اروپا ۵۰٪ است (صفوی، ۱۳۷۲، ص ۴۲۰).

ساختار نظام آموزشی امریکا

تحصیلات ابتدایی در کشور امریکا از سن ۶ سالگی آغاز می‌شود و در مجموع دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه عالی در امریکا ۱۲ سال می‌باشد و به دانش‌آموزان مدرک دیپلم متوسطه عالی (Diploma high school) اعطا می‌گردد (مدنی، اکبری، ۱۳۸۴، ص ۲۵). در امریکا چهار مرحله در تعلیم و تربیت وجود دارد:

- دوره پیش‌دبستانی؛
- ابتدایی؛
- متوسطه؛
- کالج و دانشگاه‌ها.

دوره پیش دبستانی

شامل مهد کودک است. برای کودکان ۲-۴ ساله صنف‌های ضمیمه و کودکان برای ۳-۶ سالگی که صنف‌های جداگانه یا صنف‌های ضمیمه دبستان ارایه می‌شوند. مریان اغلب فارغ‌التحصیل دانشگاه یا دانش‌سرای معلم هستند (ارمند، ۱۳۹۳، ص ۳).

آموزش ابتدایی

ساختار آموزشی: مقطع آموزش ابتدایی مدت زمان ۶-۸ سال طی رده‌های سنی ۶-۱۴ سال به طول می‌انجامد. هدف اصلی برنامه‌های آموزش ابتدایی کسب مهارت دانش و گرایش‌های مثبت و اساسی توسط دانش‌آموزان و تأکید به رشد فردی آنان با توجه به نیازها و توانایی‌های فردی می‌باشد. مقطع آموزش ابتدایی اجباری بوده و به صورت رایگان به دانش‌آموزان ارایه می‌گردد.

برنامه‌های آموزشی: موضوعات محوری برنامه‌های آموزش ابتدایی عبارتند از زبان انگلیسی، متون قرائتی، مهارت‌های زبانی، ریاضیات، مطالعات اجتماعی تاریخ و علوم (مدنی، اکبری، ۱۳۸۴، ص ۴۰-۴۱).

مدت زمان برنامه‌های مقاطع آموزش ابتدایی در ایالات‌های مختلف به شرح ذیل می‌باشد:

- ۶ ایالت ۹ سال؛
- ۱۹ ایالت ۱۰ سال؛
- ۷ ایالت ۱۱ سال؛
- ۱۲ ایالت ۱۳ سال؛
- ۲ ایالت ۱۳ سال (ارمند، ۱۳۹۳، ص ۳).

آموزش متوسطه

آموزش متوسطه که به آن متوسطه‌ی عالی نیز گفته می‌شود. معمولاً صنف‌های ۹-۱۲ را شامل می‌شود. برنامه‌های درسی مقطع مقدماتی متوسطه موضوعات ذیل را پوشش می‌دهند: دستور زبان انگلیسی، بهداشت و تغذیه، هنرهای عملی، علوم و روش‌های علمی، زبان‌های خارجی، تاریخ ایالات متحده، جغرافیه، متون خواندنی، مهارت نوشتنی، تربیت بدنی، موسیقی و هنر.

آموزش متوسطه در آمریکا از صنف هفتم به بالا شروع می‌شود. ولی در بعضی مناطق از صنف ۶ شروع می‌شود و تا صنف ۱۲ ادامه پیدا می‌کند. و دانش‌آموزان در سن ۱۷ یا ۱۸ سالگی از مکاتب متوسطه فارغ‌التحصیل می‌شوند. از سال دهم دانش‌آموزان وضع آینده خود را برای ورود به دانشگاه یا فارغ از تحصیل در پایان متوسطه و اشتغال در بازار کار پیش‌بینی می‌کنند. آموزش متوسطه به دیپلم

عمومی ختم می‌شود. معمولاً پایان تحصیلات اجباری بعد از صنف دهم متوسطه‌ی عالی است ولی دانش‌آموزان که قصد دارند پس از پایان تحصیلات متوسطه به دانشگاه‌ها راه یابند، این دوره را تا صنف دوازدهم ادامه می‌دهند و دیپلم کامل دریافت می‌کنند. تمام ایالات و حوزه‌های مکاتب، سطح فارغ‌التحصیلی از مکتب متوسطه را تکمیل و اتمام صنف ۱۲ می‌دانند و اسم عمومی برای مدرک فارغ‌التحصیلی متوسطه دیپلم تحصیلات متوسطه‌ی عالی است (ارمند، ۱۳۹۳، ص ۴).

آموزش عالی

ساختار آموزشی: برای ورود به دانشگاه‌های امریکا داشتن دیپلم متوسطه الزامی است و هم‌چنین نتایج امتحان عمومی که همه ساله از دارنده گان دیپلم به عمل می‌آید جزء شرایط ورود به حساب می‌آید. دانشگاه‌ها در امریکا مستقل هستند و مدارک دانشگاهی را راساً صادر می‌کنند. دولت فدرال هیچ‌گونه حق قانونی یا اجرایی مبنی به تأیید مؤسسات آموزشی، اعضا و استادان دانشگاه، برنامه‌ها، دروس دانشگاه یا مدرک و شرایط دیگر ندارد مقاطع تحصیلی شامل دوره‌ی فوق دیپلم، دوره لیسانس، دوره ماستری، دوره دوکتورا می‌گردد (مدنی و اکبری، ۱۳۸۴، ص ۶۸).

یافته‌های تحقیق کنونی نشان می‌دهد که نظام آموزشی غیر متمرکز در جاپان و امریکا از تفاوت‌های عمده و علت موفقیت آن‌ها در مقایسه با نظام آموزشی افغانستان است. نظام آموزشی افغانستان از لحاظ ساختار آموزشی مانند نظام آموزشی کشورهای جاپان و امریکا به مقاطع ابتدایی، متوسطه، لیسه و آموزش عالی تقسیم شده است. کتاب‌های درسی و محتوای آموزشی در افغانستان بر عکس جاپان و امریکا به گونه غیرمعیاری و غیر مشارکتی طراحی می‌شود. میزان اتمام دوره‌های آموزشی در افغانستان در مقایسه با جاپان و امریکا خیلی پایین است به دلیل این‌که شهروندان کشور تا هنوز به گونه‌ی یک‌سان به تعلیم و تربیه دسترسی ندارند و به دلیل جنگ و فقر نمی‌توانند تحصیلات شان را به پایان برسانند.

سؤال دوم: افغانستان، امریکا و جاپان در حوزه آموزش و پرورش چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟

اهداف آموزشی افغانستان

بر مبنای ماده‌ی دوم قانون معارف افغانستان اهداف عمده‌ی معارف افغانستان قرار ذیل است:

۱. تأمین حق مساوی تعلیم و تربیه برای اتباع جمهوری اسلامی افغانستان از طریق رشد و توسعه نظام معارف همگانی، متوازن و عادلانه.
۲. تقویه روحیه اسلامی، وطن دوستی، وحدت ملی، حفظ استقلال و دفاع از تمامیت ارضی، حفظ منافع و نوامیس ملی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی افغانستان.

۳. تربیه اطفال، نوجوانان و جوانان به حیث افراد متدین و اعضای مفید و سالم جامعه.
۴. رشد و انکشاف استعدادهای اخلاقی، عاطفی، ذهنی، پرورش جسمی و روحیه اجتماعی شاگردان.
۵. تقویه روحیه احترام به حقوق بشر، حمایت از حقوق زن و دیموکراسی و رفع هر نوع تبعیض در پرتو ارزش‌های اسلامی و عدم اعتیاد به مواد مخدر.
۶. تقویه روحیه مسوولیت فردی، اجتماعی و قانون‌پذیری معلمان، استادان و مدرسان و سایر کارکنان.
۷. فراهم‌آوری زمینه‌ی مشارکت اولیای شاگردان و سایر افراد جامعه در نظام مدیریت و جلب همکاری‌های مادی، معنوی ایشان برای رشد و ترقی معارف.
۸. تعلیم و تربیه اتباع کشور جهت سهم‌گیری فعال در رشد اقتصادی، اجتماعی و کاهش فقر در کشور.
۹. تأمین تعلیمات متوسطه-اجباری و فراهم‌آوری زمینه تعلیمات ثانوی مطابق نیازهای جامعه.
۱۰. تأمین رشد و تعلیمات قبل از مکتب مطابق به نیازمندی‌های اطفال کشور.
۱۱. تأمین و رشد تعلیمات تربیه معلم، تعلیمات اسلامی، تخنیکی، مسلکی، حرفوی و هنری در کشور.
۱۲. امحای بی‌سوادی و فراهم‌آوری زمینه آموزش سریع برای اطفال وکلان سالان بازمانده از مکتب در کشور.
۱۳. ارتقا و بهبود کیفیت معارف با استفاده از تجارت معاصر مطابق نیازمندی کشور و ارزش‌های اسلامی.
۱۴. رشد و ارتقای سطح علمی و مسلکی معلمان-استادان مدرسان، مدیران و سایر کارکنان وزارت معارف.
۱۵. انکشاف نصاب واحد تعلیمی، مطابق به اقتضای زمان و معیارهای معاصر.
۱۶. تأسیس، توسعه، ارتقا، اعمار، ترمیم و تجهیز مکاتب، مدارس و سایر مؤسسات تعلیمی معارف (قانون معارف افغانستان، ۱۳۸۹).

اهداف آموزشی جاپان

- اهداف اساسی آموزش و پرورش در جاپان که طی مواد قانون پایه‌ی آموزش آمده چنین است:
- ماده ۱. آموزش باید باهدف توسعه کامل شخصیت و سعی بر پرورش شهروندانی باشد که کیفیت‌های لازم در وجود آنها رخنه کرده تا جامعه و دولت دموکرات و طرف‌دار صلح به ارمغان آورد.
 - ماده ۲. برای نیل به اهداف ذیل آموزش باید به شکل صورت بگیرد که ضمن احترام به آزادی عمل نتایج ذیل محقق سازد:
- الف. تفکری را پرورش دهد که دانش و فرهنگ گسترده‌تری را کسب کند و به دنبال حقیقت باشد و در حالی که سلامت جسمانی را توسعه می‌دهد مروج حس تشخیص و حس اخلاق غنی باشد.

- ب. بهبود توانایی افراد و در عین حال احترام به ارزش آن‌ها، ترویج خلاقیت آن‌ها پرورش روحیه استقلال و پرورش تفکر، ارزش دادن به کار، در حالی که به پیوندها با کار و زندگی عملی تأکید دارد.
- ج. پرورش تفکر ارزش قایل شدن برای عدالت، مسوولیت، برابری مرد و زن همکاری و احترام دوجانبه، همکاری فعال و روحیه عمومی برای ایجاد و پیشرفت جامعه.
- د. پرورش تفکر احترام به زندگی، توجه به طبیعت و همکاری برای حمایت از محیط زیست.
- ه. پرورش تفکر احترام به سنت‌ها و فرهنگ، عشق به کشور و منطقه‌یی که در آن پرورش یافته اند و در عین حال احترام به دیگر کشورها و تمایل به همکاری برای صلح جهانی و ارتقای جامعه بین‌الملل (عسکری و هم‌کاران، ۱۳۹۸، ص ۸-۹).

اهداف آموزشی امریکا

از جمله مهم‌ترین اهداف و اصول آموزشی امریکا می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. دستیابی یک‌سان به آموزش عمومی حتی برای گروه‌های اقلیت و معلولیت؛
۲. تعهد به عقاید دموکراتیزم و آزادی‌های فردی و توجه به تنوع جمعیت؛
۳. شگوف نمودن قوای پتانسیل هریک از کودکان تا حد ممکن تا به عنوان یک شهروند در جامعه‌ی آزاد خدمت مؤثر کرده و در بازار تبادلات جهانی رقابت موفقیت‌آمیز داشته باشد؛
۴. نظام آموزشی تا حدی زیادی غیرمتمرکز بوده و به اساس قانون خط‌مشی‌ها و برنامه‌های درسی به عهده‌ی ایالت و مناطق واگذار شده است.

اهداف ملی آموزش امریکا

۱. همه بچه‌ها در امریکا آماده باشند که در مکتب به یادگیری بپردازند.
۲. دانش‌آموزان امریکایی پایه‌های ۴-۸ و ۱۲ را با توانش قابل ملاحظه‌یی برای تبادل اطلاعات در موضوعات مختلف درسی بگذرانند تا برای شهروند مسوولیت‌شناس، یادگیری بیشتر و اشتغالی خلاق در اقتصاد نوین کشور آماده شوند.
۳. دانش‌آموزان ایالات متحده در پیشرفت تحصیلی در علوم و در ریاضیات اول شوند.
۴. هر بزرگ‌سال امریکایی باسواد باشد. دانش و مهارت‌های لازم برای رقابت در اقتصاد جهان کسب نموده و حقوق و مسوولیت‌های شهروندی را عمل نمایند.

۵. هر یک از مکاتب در امریکا از مواد مخدر و خشونت میرا شده و یک محیط قانون‌مند و مساعد برای یادگیری باشد.

۶. هر مکتب مشارکت و دخالت والدین را در امر پیشرفت، رشد اجتماعی، عاطفی و علمی فرزندان خود افزایش دهد (مدنی و اکبری، ۱۳۸۴، ص ۹۷-۹۸).

هر سه کشور فوق در قسمت طراحی اهداف آموزشی خود دست بالا دارند. تفاوت عمده در زمینه‌ی اهداف آموزشی این است که اهداف آموزشی افغانستان بیشتر دارای جنبه اعتقادی است که مبتنی به آموزش‌های اسلامی است. نکته‌ی اساسی دیگر میزان تحقق اهداف است؛ امریکا و جاپان با توجه به قدرت اقتصادی و تکنالوژیکی خویش توانسته اند به اهداف آموزشی خویش دست یابند اما اهداف آموزشی افغانستان به یادداشت‌های مکتوبی بسنده شده و تا اکنون حتی به حق دست‌رسی یک‌سان به تعلیم و تربیت دست نیافته اند.

سؤال سوم: افغانستان در مقایسه با جاپان و امریکا چه مقدار از بودجه خود را صرف آموزش و پرورش می‌کند؟

بودجه آموزشی در افغانستان

سیستم تعلیم و تربیه در افغانستان تا حدودی زیادی متکی به حمایت‌های نهادهای دیگر عرضه‌کننده خدمات تعلیمی است، تا بتواند برای اطفال و نوجوانان خدمات تعلیمی بهتر را فراهم نمایند (وزارت معارف، ۱۳۹۷، ص ۱۲). در سال ۱۳۹۴ سهم سکتور تعلیم و تربیه ۱۴.۱٪ از مجموعه مصارف عامه، ۱۵.۵٪ از مجموعه کل مصارف عادی دولت و ۱۰.۳٪ از مجموعه مصارف انکشافی دولت و ۳.۶٪ از مجموعه کل تولید ناخالص داخلی محاسبه شده است (وزارت معارف، ۱۳۹۶، ص ۱۹). این رقم در بودجه سال ۱۳۹۹ به ۱۲٪ رسیده است (وزارت مالیه، ۱۳۹۹، ص ۲۵). بودجه سکتور تعلیم و تربیه در سال مالی ۱۴۰۰ به ۱۱٪ رسیده است که این نشان‌دهنده‌ی کسر بودجه در این بخش می‌باشد. این در حالیست که کشورهای پیشرفته جهان بیشترین سرمایه‌گذاری و بودجه‌ی خود را به سکتور تعلیم و تربیت اختصاص می‌دهند اما در افغانستان با گذشت هر سال شاهد کاهش بودجه‌ی آموزشی هستیم. دولت افغانستان در بخش تعلیم و تربیت کم‌تر از معیارات مشخص بین‌المللی مصرف کرده است. دولت باید مطابق معیارات بین‌المللی مشخص حد اقل ۲۰-۱۵٪ مجموع بودجه ملی و ۴-۶٪ عایدات ناخالص داخلی را برای تعلیم و تربیت به مصرف برساند (وزارت معارف، ۱۳۹۷، ص ۲۸).

بودجه آموزشی جاپان

هزینه‌های آموزشی در طول چند دهه‌ی گذشته به‌ویژه در سطوح ابتدایی و مقدماتی متوسطه به سرعت روبه افزایش است. کل بودجه دولت برای سال مالی ۱۹۹۸ میلادی بالغ به ۷۷۰۶۶۹۰۲ میلیون ین بوده است. در سال ۲۰۱۳ میلادی سرانه هر دانش‌آموز جاپانی در مکاتب ابتدایی ۸.۷۴۸ دالر بود. اغلب سرانه آموزشی در جاپان صرف امور اساسی آموزشی می‌شود. بیشتر مکاتب نیز تعداد کمی کارکنان اجرایی شامل یک دستیار و پرستار در استخدام دارند و تمرکز کمک هزینه‌ها روی معلم و دانش‌آموز است (عسکری و هم‌کاران، ۱۳۹۷، ص ۱۶). جاپان در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۳.۸٪ از تولید ناخالص خود را صرف آموزش و پرورش نمود که حدود ۲۲۰ میلیارد دالر بود. این رقم در میان کشورهای مختلف دنیا رقم بالایی محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۳ میلادی جاپان با داشتن بودجه ۱۶۵ میلیارد دلاری در میان ده بهترین کشورهای پیشرفته جهان بیشترین بودجه آموزشی را به خود اختصاص داده است (www.khabaronline.it).

بودجه آموزشی امریکا

طبق آمار سال ۱۹۹۵-۱۹۹۴ میلادی میزان بودجه آموزشی امریکا بر ۵۳۵ میلیون دالر ۷.۳ درصد تولید ناخالص داخلی می‌گردد (مدنی و اکبری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱). در سال ۲۰۱۳ میلادی امریکا با داشتن بودجه ۱۰۳ میلیاردی پس از جاپان دومین کشور با بیشترین هزینه آموزشی محسوب می‌شود (www.khabaronline.it). در سال ۱۹۹۹-۲۰۰۰ امریکا دارای ۵۰ میلیارد دالر هزینه ملی برای آموزش ویژه ۲۷.۳ میلیارد دالر برای خدمات آموزش ویژه در مکاتب عادی و یک میلیارد دالر برای سایر برنامه‌های آموزش ویژه و در کل ۷۸.۳ میلیارد دالر با هزینه متوسط هر دانش‌آموز با نیازهای ویژه بوده است. این رقم برای آموزش ابتدایی، متوسطه و نیازهای ویژه در همان سال ۳۶۰/۶ میلیارد بوده است. به بیان دیگر ۲۱.۴٪ بودجه آموزش ابتدایی و متوسطه به نیازهای ویژه اختصاص داشت. بنابر تخمین اداره آموزش امریکا هزینه هر دانش‌آموز ویژه دو برابر هر دانش‌آموز در آموزش عالی است (کاکو جویباری، ۱۳۸۷، ص ۴).

بنابراین، بودجه آموزشی هر کشور نشان‌دهنده‌ی میزان اهمیتی است که دولت مردان به بخش آموزش می‌دهند. در افغانستان متأسفانه بنابر مشکلات امنیتی و فقر آموزش حرف اول را در بخش بودجه دولت نمی‌زند روی این ملحوظ بودجه‌ی کم آموزشی را می‌توان یکی از دلایل ناکارآمدی نظام آموزشی افغانستان برشمرد. بودجه آموزشی افغانستان به تناسب بودجه آموزشی کشور جاپان و امریکا خیلی ناچیز و غیر قابل مقایسه است.

بحث و نتیجه‌گیری

گرایش عمومی برای مقایسه وضعیت آموزشی کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای در حال توسعه و در عین حال بحث مقایسه در تمام کشورها وجود دارد. این روش به منظور کشف عامل موفقیت نظام آموزشی پیشرفته و رفع کاستی‌های نظام آموزشی کشور مورد نظر صورت می‌گیرد. با این حال پژوهش در باره‌ی آموزش و پرورش به دلیل کمبود منابع مکتوب با دشواری‌های زیادی مواجه است، زیرا در باره تعلیم و تربیت در افغانستان مانند عرصه‌های دیگر اجتماعی این کشور کار علمی، پژوهشی لازم صورت نگرفته است و در این زمینه تحقیقات اندک وجود دارد.

یافته‌های پژوهش در پیوند به سؤال اول «نظام آموزشی افغانستان چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با نظام آموزشی جاپان و امریکا دارد؟» نشان‌دهنده‌ی آن است که تمرکززدایی در نظام آموزشی جاپان و امریکا از تفاوت‌های عمده و علت موفقیت آن‌ها در مقایسه با نظام آموزشی افغانستان است. نظام آموزشی افغانستان یک نظام متمرکز بوده و نتیجه‌محوری از ویژگی‌های بارز آن می‌باشد. از بررسی و تحلیل نظام آموزشی جاپان و افغانستان بر می‌آید که نهاد آموزش و پرورش افغانستان و جاپان از تعالیم مذهبی و دینی آنان تأثیر پذیرفته است. دوره‌های آموزشی در افغانستان همانند جاپان و امریکا به مقطع ابتدایی (۳ سال)، متوسطه (۳ سال)، لیسه (۳ سال) و آموزش عالی تقسیم‌بندی شده است. تحصیلات اجباری هم در هر سه کشور تا صنف نهم ادامه دارد. با این تفاوت که در افغانستان ختم تحصیلات اجباری به دیپلم منجر نمی‌گردد. تفاوت عمده‌ی دیگر در بحث ساختار آموزشی افغانستان، امریکا و جاپان، کیفیت آموزش است. کیفیت آموزش در افغانستان در مقایسه با امریکا و جاپان خیلی ناچیز و غیر قابل مقایسه می‌باشد. کتاب‌های درسی و محتوای آموزشی در جاپان و امریکا معیاری و با حجم کم تهیه می‌شود برعکس در افغانستان کتاب‌های درسی به گونه غیر معیاری و با حجم زیاد تهیه می‌شود. آموزش از راه دور، آموزش کودکان استثنایی برخلاف نظام آموزشی جاپان و امریکا در افغانستان به دلیل کمبود یا نبود منابع خیلی کم‌رنگ است. در ولایات و قریه‌های دوردست از پایتخت به این موارد توجه نشده است. تفاوت دیگر در قسمت اتمام دوره‌های آموزشی است. افغانستان با وجود این که از جمله جوان‌ترین جمعیت‌های دنیا است اما تنها ۹ میلیون کودک به آموزش دسترسی دارند که از آن جمله کم‌تر از ۱۰ درصد آنان تحصیلات خویش را تا صنف ۱۲ ادامه می‌دهد. این آمار در جاپان ۹۰ درصد و در امریکا ۵۰ درصد می‌باشد.

یافته‌های پژوهش در مورد سؤال دوم «افغانستان، جاپان و امریکا در حوزه آموزش و پرورش چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟» نشان می‌دهد؛ که اهداف آموزشی در افغانستان بیشتر جنبه‌ی اعتقادی

داشته که مبتنی به آموزش‌های اسلامی می‌باشد. نکته‌ی اساسی دیگر در بحث اهداف آموزشی، میزان تحقق اهداف است. کشور جاپان و امریکا با توانایی‌های اقتصادی، تکنالوژیکی، صنعتی که دارند توانسته‌اند به اهداف خویش دست یابند و امروزه در صدر کشورهای پیشرفته‌ی دنیا از لحاظ آموزش قرار بگیرند. اما در افغانستان هدف‌ها به یادداشت‌های مکتوب بسنده شده و تا اکنون شهروندان افغانستان حتی به حق دسترسی یک‌سان به تعلیم و تربیه که یکی از اهداف آموزشی این کشور نیز می‌باشد، دست نیافته است.

یافته‌های این تحقیق در مورد سؤال سوم «افغانستان در مقایسه با جاپان و امریکا چه مقدار از بودجه خود را صرف آموزش و پرورش می‌کند؟» نشان می‌دهد؛ که در افغانستان متأسفانه به دلایل جنگ و ناامنی و فقر توجه چندانی به آموزش نشده و در بحث بودجه، آموزش حرف اول را نمی‌زند. در حالی که در جاپان و امریکا بیشترین بودجه دولت صرف آموزش و پرورش می‌شود و این دو کشور به ترتیب در ردیف اول و دوم کشورهای قرار دارند که بیشترین هزینه در صرف آموزش و پرورش می‌کنند. اما در افغانستان نه تنها در قسمت بودجه‌ی آموزشی افزایش صورت نگرفته بلکه در سال‌های اخیر شاهد کاهش بودجه‌ی آموزشی نیز هستیم.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش فوق برای بهبود نظام آموزشی افغانستان پیشنهادهای ذیل ارایه می‌گردد:

۱. رعایت معیارهای بین‌المللی در نصاب درسی معارف افغانستان و در عین حال بلندبردن ظرفیت علمی معلمان. زیرا نصاب درسی معیاری در صورت پایین بودن ظرفیت علمی معلمان بسنده نیست.
۲. استخدام نیرو و کارمندان مسلکی و توانا در نهادهای آموزشی و مدیریت مکاتب.
۳. افزایش بودجه آموزشی در کشور و معاش معلمان.
۴. تبدیل نظام آموزشی متمرکز به نیمه‌متمرکز.
۵. ایجاد برنامه‌های آموزشی برای معلمان در مورد شیوه‌های تدریس معارف و برخورد با شاگردان.
۶. افزایش رویکرد مشارکتی در امر تصمیم‌گیری در مکاتب و سایر نهادهای آموزشی.
۷. احیای یک سیستم اطلاعاتی معیاری و کارا در سطح معارف و تحصیلات عالی کشور.

منابع

- ارمند، محمد. (۱۳۹۳). آموزش و پرورش برنامه‌درسی در امریکا، دانش‌نامه مدل برنامه‌درسی.
- اصغری، محمدجواد. (۱۳۹۰). تعلیم و تربیه در افغانستان، فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های منطقه‌ی، شماره ۷.
- امین فاطمی، زینب و فولادیان، مجید. (۱۳۸۸). نظام آموزشی و بازدهی آموزشی: مطالعه تطبیقی ۷۰ کشور جهان، راهبرد فرهنگ، شماره ۷.
- ام ای سی. (۱۳۹۶). ارزیابی آسیب‌پذیری‌های فساد اداری به سطح وزارت معارف: نشر کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری.
- ییابان‌گرد، اسماعیل. (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. جلد اول. تهران: انتشارات دوران.
- پرویز، مصمم. (۱۳۹۸). نبود هیچ دانشگاهی از افغانستان در فهرست هزار دانشکاه برتر جهان. قابل دست‌رس در این جا: www.8am.af
- پوپل، کریم. (۲۰۱۷م). سیر معارف در افغانستان.
- جواهر، محمد رضا. (۱۳۹۳). نقش آموزش عالی در دیپلوماسی عمومی امریکا در افغانستان. (پایان‌نامه منتشر شده کارشناسی ارشد). دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- حسرت، محمد سیرت. (۱۳۸۹). وضعیت تعلیم و تربیه در افغانستان طی سال ۱۳۸۷. نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
- خموش، کاوون. (۱۳۹۴). هفتاد و پنج سال تا مدرن شدن مکاتب دولتی افغانستان. قابل دست‌رس در این جا: www.BBC.com.ampproject.Org
- صفوی، امان‌الله. (۱۳۷۲). تعلیم و تربیت در قرن بیستم. تهران: انتشارات قطره.
- عسکری، مهدی و هم‌کاران. (۱۳۹۷). مقایسه سیاست‌گذاری آموزشی ایران و جاپان در مقطع ابتدایی. فصل‌نامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۹، شماره ۳۰.
- علی اصغر، کاکوجویباری؛ علی پور، احمد و حسن‌زاده، سعید. (۱۳۸۷). واقعیت‌ها و چشم‌اندازهای آموزش و پرورش ویژه: بررسی تطبیقی ایران با چند کشور توسعه‌یافته، فصل‌نامه‌ی پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال هشتم، شماره ۳.
- قانون معارف افغانستان. (۱۳۸۹). قابل دست‌رس در این جا: www.Afghan paper.com
- قربانی، محمد رضا. (۱۳۸۴). نظام آموزشی جاپان، تهران: انتشارات سخن گستر.
- مدنی، سهیلا و اکبری، حمید. (۱۳۸۴). نظام آموزشی کشورهای جهان: قاره امریکا و استرالیا. جلد اول. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

- میلاره، گاستون و ژان، ویال. (۱۳۷۰). تاریخ جهانی آموزش و پرورش. ترجمه محمد رضا شجاع رضوی. جلد اول. تهران: انتشارات استان قدس رضوی.
- نقی‌زاده، محمد و ذاکری، قدرت‌الله. (۱۳۹۸). جاپن‌شناسی در ایران. تهران: انتشارات بین‌المللی مهدی.
- وزارت معارف. (۱۳۹۶). پلان استراتژیک سوم ملی معارف. کابل: انتشارات وزارت معارف.
- وزارت معارف. (۱۳۹۷). مرور مشترک تعلیم و تربیه. کابل: انتشارات وزارت معارف.
- وزارت مالیه. (۱۳۹۹). مسوده بودجه ملی سال مالی ۱۳۹۹. کابل: نشر وزارت مالیه.
- یوشی، ریوکوتسونونه. (۱۳۹۸). فرهنگ آموزش‌ی جاپان. ترجمه‌ی ابوالفضل بختیاری و هم‌کاران. تهران: انتشارات اوای نور. www.khabaronline.it.